

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره - پنجم و ششم  
مرداد و شهریور ۱۳۴۷

# آب و آتش

دوره - بیست و هفتم  
شماره - ۵ و ۶

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

( مؤسس : مرحوم وحید دستگردی )

( صاحب امتیاز و نگارنده : وحید زاده - نسیم دستگردی )

بقلم : آقای ابراهیم صفائی

## فتحعلیخان صبا

خانواده « صبا » را باید خانواده ادب نامید ، زیرا شاعران بزرگ چون فتحعلیخان و ندیم باشی متخلص بهخجسته و محمد قاسم خان و عندلیب و محمود خان از آن خانواده برخاسته اند ، فتحعلیخان صبا نخستین شاعر بزرگی است که در دولت قاجاریه بطهور رسید و باطبع قادر و قریحه روشن شروع بسخن سرائی کرد و فکر تجدید حیات ادبی ایران و رجوع بسبک استادان متقدم را جامه عمل پوشانید .

« صبا » از خانواده های قدیمی و محترم کاشان است که اکثر اشاغل خدمات دولتی بوده اند در جوانی به « آقا فتحعلی » شهرت داشت و در کاشان زندگی میکرد شاگرد حاجی سلیمان بیگ کاشانی ( صباحی - بیدگلی ) بود و فکر نهضت ادبی و بازگشت بسبک و سیاق استادان متقدم در مکتب صباحی و بتلقین استاد در وی ایجاد شد و از آغاز جوانی قریحه خود را در این منظور بکار برد و در ۱۲۱۱ قمری از کاشان بطهران آمد و بشاعری شهرت یافت سپس در جشن جلوس فتحعلیشاه شرکت

جسته و قصیده غرائی خواند که مورد پسند و تحسین شاه واقع شد و صبارا در شمار پیشخدمتهای مخصوص و ندیمان خود قرارداد . چند بیت از آن قصیده :

بیال ای تخت اسکندر بناز ای مسند دارا

که شد اسکندر دیگر بدارائی سریر آرا

زمانرا شاه دریا دل زمین را خسرو عادل

زمان بر عهد او مایل زمین بر مهد او شیدا

بتخت آسمان رختش بر اوج آسمان تختش

براست از آسمان بختش که آن پیراست و این برنا

« صبا » نزد فتحعلیشاه هر روز مقرب تر شد تا لقب ملك الشعرائی یافت در این اوقات کار او بیشتر این بود که شاعران و نویسندگان هنرمندی را که از ولایات در اثر صیت ادب پروری شاه بطهران میآمدند رهبری میکرد و آنانرا بحضور شاه معرفی و وسایل آسایش آنان را با استفاده از طبع سخن سنج و دست بخشنده شاه فراهم میآورد و نیز قصیده ها و ماده تاریخهای منظوم برای کتیبه ساختمانهای نو بنیان سلطنتی میسرود که در آنوقت زینت ایوان و تالار کاخهای سلطنتی می شد .

### حکومت قم و کاشان

در سال ۱۲۱۸ قمری شاه « صبا » را برای نظارت در ساختن ضریح نقره مشبک که برای تقدیم بمرقد مطهر حضرت امام حسین تهیه میشد برشت فرستاد ، صبا پنجمه در رشت بود و در ساختن ضریح نظارت میکرد و شعرهایی را که شاه برای نقش در ضریح سروده بود بر آن نقش کردند و ضریح زیبا و گرانبهای حضرت امام حسین تحت نظر صبا تمام شد و بطهران نقل گردید و بعداً بکربلا ارسال شد ، این ضریح که يك شاهکار هنری بود خیلی مورد پسند و تحسین شاه واقع گشت و بامر شاه فرمانی صادر شد و « صبا » لقب « خان » گرفت یعنی « آقا فتحعلی » فتحعلیخان شد و فرماندار تام الاختیار قم و کاشان و توابع (جوشقان و نظنز و محلات و ساوه) گردید

مدتی در قم ماند سپس بکاشان رفت و در بخشهای حوزه حکومت خود سرکشی و حکمرانی میکرد مگر حکومتش گاهی قم و گاهی در کاشان بود در سال قحطی با مردم قم بسیار کمک کرد در کاشان هم با اشاره شاه مدرسه‌ای بنام «مدرسه فتحعلیشاه» بنا نمود که در سال ۱۲۲۳ قمری پایان رسید و تاریخ آنرا چنین گفته است:

فخر ملکان فتحعلیشاه جهاندار      کامد بشهان از ملک العرش شهنشاه  
کاشانه کاشان بیکی مدرسه آراست      کز عرصه آن حور ز فردوس در اکراه  
چون جست «صبا» بش زخرد مصرع تاریخ      گفتا که بود «مدرسه فتحعلی شاه»

### بازگشت بطهران

در آخر سال ۱۲۲۳ که «صبا» در قم بود خشکسالی و گرما و بروز ناخوشی مردم را از با در آورد «صبا» در بهبود حال مردم بسیار کوشید ولی عاقبت خود او بسختی مریض شد چنانکه حیات وی در مخاطره افتاد ناچار قصیده گفت و حالت زار خود را بیان کرده برای شاه فرستاد شاه تقاضای او را پذیرفت و بطهران احضار شد و بمداوای خود پرداخت.

چند بیت از آن قصیده:

بشهر قم که مبادا ز حادثات خراب  
بهر خراب غریبی فتاده در تب و تاب  
درین دیار شدم من قرین مرگ زرنج  
جداز یاری یاران و صحبت اصحاب  
کهی ز تابش تب چون حریق در آتش  
کهی ز ریزش خوی چون غریق در گرداب  
مگر زرنج تن و ناتوانی جانم  
خبر رساند حبیب مرا یکی ز احباب

از آن سپس که بمن مویه کرد هوی کنان  
 گشاد بسد بیجاده رنگ را بعتاب  
 که از حضور شهنشاه آسمان اورنگ  
 چرا طلب نکنی درد خویش را جلاب  
 سفر آذر بایجان

«صبا» يك سفر بآذربایجان و يك سفر بترکستان از طرف فتحعلیشاه بمأموریت رفت و در سال ۱۲۲۸ قمری که شاه بقصد شرکت در جبهه جنگ ایران و روس عازم آذربایجان شد «صبا» همراه شاه بود ولی قبل از رسیدن بآذربایجان در بین راه بستختی مریض شد و در چند فرسخی زنجان بستری گردید و شاه او را اجازه داد که بطهران مراجعت کند «صبا» در اینخصوص گفته است :

از گردش چرخ آینه رنگ	بر آینه دل آدم سنگ
خاقان جهان ابوالمظفر	چون کرد برزم روس آهننگ
گردید فراخنای کیتی	بر لشگر خسرو جهان تننگ
من نیز بعزم خدمت شاه	بر بسته میان بندگی تننگ
بر باره تیز تگ نشسته	با حمله شیر و پویه رنگ
کز طالع واژگون فتادم	در بستر رنج با صد آهننگ

### چهل هزار منقال طلا

«صبا» هنگام مراجعت از طرف شاه مأموریت یافت کتابی دربرابر شاهنامه فردوسی بنام شهنشاهنامه ببحر تقارب منظوم دارد. صبا این کتاب را بمدت سه سال درچهل هزار بیت بانجام رسانید و انصافاً در مقام مقایسه از شاهنامه فردوسی هیچ کم نیست این کتاب حاوی شرح بعضی جنگهای فتحعلیشاه و اندرزها و مطالب مختلف میباشد، وقتی صبا شهنشاهنامه را بانجام رسانید و بر شاه عرضه داشت - شاه بسیار صبا را تحسین کرد و بوی چهل هزار منقال طلا صلّه داد (هر بیت يك منقال طلا) و بفتحعلیشاه گفت:

سلطان محمود غزنوی بفردوسی وعده می داد و عمل نکرد ما بدون آنکه وعده داده باشیم وعده سلطان محمود را در باره تو عمل میکنیم.

### صد هزار اشرفی

در سال ۱۲۳۳ قمری در خراسان قحطی عظیمی بهم رسید . شرح پریشان حالی مردم خراسان شاه را متأثر کرده صد هزار اشرفی طلا اعانه داد و هیئتی را بسرپرستی «صبا» برای رسانیدن این اعانه روانه خراسان داشت این هیئت با جمعی تفنگدار و سوار باصدمه زیاد در سرمای سخت زمستان خود را بمشهد رسانید و اعانه شاه با کمک استاندار خراسان بوسیله «صبا» بمستحقان تقسیم شد و صبا بطهران مراجعت نمود در این سفر قصیده فصیحی ساخت که چند بیت آن نقل میشود:

بروزگار بلند آسمان جاه و جلال

که باد جاه و جلالش مصون زعین کمال

بقاطنین خراسان ز قحط خون حرام

بحکم شرع ز بیم هلاک گشت حلال

شکسته حالیشانرا بصد هزار «درست»

ز زر دهندهی از گنج خسرو مفضل

بیک اشارت جانبخش مومیائی داد

زهی عظیم کرامت زهی بزرگ نوال

از آن بگاہ دی ازری روان رهیی با گنج

بسوی ملک خراسان ز خسرو بذال

دل ز بعد مسالک چو گاه از صرصر

تنم ز قرب مهالک چو کوه از زلزال

بعد از مسافرتها

پس از این مسافرت «صبا» با سمت پیشخدمت و ندیم خاص و عنوان «ملک-

الشعراء دربار فتحعلیشاه باقی بود و شاعران و دانشمندان را که بدربار بامید دیدن

شاه میآمدند پدرا نه نوازش میکرد و عنایت شاه را بسوی آنان جلب مینمود و همه شاعران معاصر وی در آثار خود ببنیکی و احترام از او یاد کرده اند تا اینکه در سال ۱۲۳۸ پس از شصت و هفت سال عمر در طهران فوت کرد .

### تحصیلات و سبک شعر و آثار

صبا بحکایت آثارش تحصیلات عالی در ادبیات فارسی داشته و بزبان و لغت عرب بحد کفای محیط بوده از تاریخ و ریاضی و نجوم هم طرف بسته است . در قصیده سرائی سبک انوری را تتبع نموده و در مثنوی طریق فردوسی را پیش گرفته است و در عین حال بواسطه طرز اندیشه و روح حماسه و بکار بردن تشبیهها و استعاره های نغز و نو و معانی بدیع که مخصوص بخود او است در شعر دارای شیوه خاص و ممتازی است از خصوصیات شیوه « صبا » رعایت صنایع لفظی و معنوی است که خیلی بآن علاقه داشته لغت ها و اصطلاحهای غیر مأنوس و گاهی نامتجانس را در چکامه های خود با مهارتی تمام بکار برده است قصائدش پر مغز و فصیح است و در صرف استادان قصیده سرا میباشد مثنویهایش نیز فصیح و شهنشاهنامه اش که به تتبع شاهنامه فردوسی در بحر تقارب سروده شده از شعرهای فردوسی فاصله ندارد و در حالیکه بسیاری از ابیات آن لطافت و انسجام شعرهای نخبه شاهنامه فردوسی را دارا میباشد . آثارش دیوان قصیده و غزل ، چند مثنوی بنام گلشن صبا ، عبرت نامه ، خداوند نامه ، شهنشاهنامه است که از آثار با ارزش ادبیات ما است .

### چند قسمت از شهنشاهنامه

#### سفر دیلم

فرمان دارای جمشید فر	بدیلم مرا بود وقتی سفر
بجان گشتم از زندگی نا امید	ز خاک سیه فام و آب سفید
کشاورز آن مرز را هم نمود	بدانگی دوسیم از گذر گاه رود
بدشنام و جوبش بیازرد هم	ستم پیشه مردی ندادش درم
ستم پیشه مسکین بگرداب غرق	من از آب آسان گذشتم چو برق
ولیکن مرنجان دل ناخدای	رهایی ز کشتی بود باخدای

### موبد سالخورده

شنیدم یکی موبد سالخورد  
 تن پاکش از تابش آفتاب  
 یکی گفتش ای پیر دیرینه روز  
 نکردی چرا در سرای سبنج  
 بنالید و گفتا درین عمر کم  
 بزرگان چنین از جهان رسته اند  
 اگر عاقلی بر جهان دل منه  
 دراندم که روشن روان میسپرد  
 چو موم اندر آتش چوشکر درآب  
 تن از تاب آفتاب بسوز  
 سبنجی سرائی بی دفع رنج ؟  
 گر آسایش از سایه نبود چه غم  
 نه چون مادل اندر جهان بسته اند  
 به بیهوده گل بر سر گل منه

### در ستایش سخن

جهانیان جهان از سخن آفرید  
 پیمبر ز گفتار نام آور است  
 بمردم بود نام مرد از سخن  
 بهر کس که نیروی گفتار پیش  
 زهر آفریده سخن بر تر است  
 نمرد و نمیرد کسی کش سخن  
 سخن آسمان و در آن خور منم  
 کنون از سخن رسته خیز آورم  
 یکی جام ده پهلوانی بمن  
 ز گوبنده نو سخن گوش کن  
 بگفتن شد این آفرینش پدید  
 ز گفتار یزدان پیام آور است  
 نه از سخت ستخوان نه از نرم تن  
 بدین نام نامی سزاوار بیش  
 سخن ز آفرینش بهین گوهر است  
 بود مایه جان و نیروی تن  
 همان آزند سخن خور منم  
 زبان راست چون تیغ تیز آورم  
 که دارم سر پهلوانی سخن  
 کهن گفته ها را فراموش کن

### در تغزل

بت شیدفش طوطی خوشنوی  
 نماید چو رخ تا بخورشید حور  
 چو ناز آورد کاروانها نیاز  
 چو خندان شود ، تنگهای شکر  
 یکی راه از آن رهزن پارسا  
 بریزاد کش دلبر پاک رای  
 گشاید چو لب تا بناهید شور  
 چو گیرد خرام آسمانها بناز  
 چو دستان زند ، گنجهای گهر  
 جهان در جهان پارسائی هبا

یکی ناز از آن ترکش دلشکر

کران تا کران خون دلها هدر

مقدمه يك قصیده در تعریف شب :

شبانگه کاین همای آتشین پر

بسوی باختر شد بال گستر

غرابی پرگشود از شرق و آورد

زمین و آسمان در سایه پر

بمشگین طره تن پوشید شیرین

بهر مرغوله پیدا سیمگون بر

یکی گنجور هند و باز افشاند

برین زنگار گون کیمخت گوهر

چو از این بیشه شیر آتشین چنگ

شکار انداز شد زی دشت دیگر

ز ناف آهوان سیمگون سم

زمین را نیفه شد پر نافه زر

سخن روشن کنم زین غم بیاران

شبی تاریک بود و من بغم در

چراغم خانه زاد چشم کژدم

وثاقم خواجه تاش کام اژدر

این قصیده مفصل است و صبا آنرا در استقبال قصیده انوری که آنهم در تعریف

شب است و مطلعش این میباشد .

چو زیر مرکز چرخ مدور

نهان شد جرم خورشید منور

سروده و انصافا هیچ دست کمی از قصیده انوری ندارد

« صبا » پیشوای نهضت ادبی ایران است و او را بر ادبیات فارسی حق بزرگی

است و هنوز آنچنانکه باید حق او ادا نشده و در آثار و احوال او تتبع و تحقیق

کافی بعمل نیامده است .

من در تنظیم رساله « نهضت ادبی ایران در عصر قاجار » تا اندازه که میسر

بود درباره صبا تحقیق کردم و این مقاله نموداری از آن تحقیق میباشد بعهد

خانواده صبا است که در معرفی بیشتر صبا و در چاپ و نشر آثار پر قیمت او

بکوشند و در این عصر رواج بیسوادی و ابتدال و کساد شعر و ادب گنجینه های

گرانهای صبا را بادب شناسان واقعی عرضه کنند و پرده از روی آن آفتاب سپهر

هنر و ادب برگیرند تاخفاشان که اکنون در فضای تاریک هنر شعر جولان میدهند

و هر روز مجموعه هذیانهای خود را بیازار میآورند پایه بلند شعر و ادب را

بنگردد و از آنچه میگویند و میسریند شرمسار گردند .